نگاهی نو به مبانی دینی برنامه‌درسی: بنیادی برای نظریه‌پردازی در حوزه مطالعات برنامه‌درسی*

معصومه عیلامی رودمعجنی[۱] ◉ دکتر مقصود امین‌خندقی[۲] ◉ دکتر عباس جوارشکیان[۳]

چکیده: هدف پژوهش حاضر عرضه نگاهی نو به نقش مبانی دینی در قلمرو مطالعات برنامه‌درسی از طریق توصیف، تحلیل و ارزیابی نقش مبانی دینی در وضع موجود برنامه‌درسی است. با استفاده از روش پژوهش تحلیل نظرورزانه، نقشهای مبانی دینی برنامه درسی از منظر صاحب‌نظران شناسایی و مفهوم‌پردازی شد. از نتایج تحلیلها مشخص شد که نگاه صاحب‌نظران به مبانی دینی برنامه درسی اغلب نگاهی متأثر از موضع آنها هم در زمینهٔ برنامه‌درسی و هم برداشتهای موجود در زمینه مبانی دینی برنامه‌درسی بود که تنها واکنشی به برداشت هر صاحب‌نظر به مفهوم برنامه‌درسی است. در مورد برنامه‌درسی برداشتها متفاوت بود. برخی مفهوم برنامه‌درسی را به‌مثابه برنامه‌ریزی درسی و عدهٔ اندکی برنامه‌درسی را جزء قلمرو مطالعاتی می‌دانند که این معنا، در پیوند برداشتشان نسبت به مبانی هم وجود دارد، چراکه توجه ناقص به برنامه درسی و ابعادش، منجر به نقش و اثرگذاری محدود مبانی دینی برنامه‌درسی و نیز کاستی در معنا و مفهوم این بعد معرفتی شده است؛ بنابراین هم فهم نسبت به مبانی و هم فهم نسبت به برنامه‌درسی باید دستخوش تغییر و دگرگونی شود. این فهم گسترده از معنای برنامه‌درسی، نقش حداکثری مبانی دینی را در برنامه‌درسی به‌همراه دارد. با فهم برنامه‌درسی به‌مثابه دانش برنامه‌درسی می‌توان نقشهایی اساسی و بنیادین چون مبانی دینی به‌مثابه شبکه‌ای معنایی و استدلالی (نظریه) برای برنامه‌درسی متصور شد.

کلید واژگان: برنامه‌درسی، مبانی دینی، دانش برنامه‌درسی، نظریه‌پردازی

☑ تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۲/۱۸ ☑ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۱

این مقاله مستخرج از رساله دکتری نویسنده اول است و تحت حمایت مالی «پژوهشکده مطالعات اسلامی در علوم‌انسانی» دانشگاه فردوسی مشهد انجام شده است.

۱. دانش‌آموخته دوره دکتری برنامه‌ریزی درسی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران. **Email:** ilami@pnu.ac.ir

۲. **نویسنده مسئول:** دانشیار گروه مطالعات برنامه درسی و آموزش، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران. **Email:** aminkhandaghi@um.ac.ir

۳. دانشیار گروه فلسفه و حکمت اسلامی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران. **Email:** javareshki@um.ac.ir

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-17]

مقدمه

یکی از مباحث اساسی هر رشته علمی مبانی آن است. هیچ دانشی در خلأ شکل نمی‌گیرد و تحول نمی‌یابد پس خواسته یا ناخواسته تحت‌تأثیر مبانی قرار می‌گیرد که ماهیت و جهت آن را تشکیل می‌دهد (بشیری، ۱۳۹۸: ۱۱۴). در رشته مطالعات برنامه‌درسی نیز، یکی از مباحث اصلی، بعد معرفتی مبانی برنامه‌درسی است که دیدگاههای مختلفی درباره آن وجود دارد. به‌عنوان‌مثال زایس[1] (۱۹۷۶: ۱۵) مبانی برنامه‌درسی را ناظر بر فلسفه و ماهیت دانش، جامعه و نظریه‌های یادگیری دانسته است. شریفی (۱۳۹۳: ۷۹) نیز مبانی برنامه‌درسی را شامل مبانی فلسفی، زیباشناختی، دینی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، روان‌شناختی، زیست‌شناختی و فناورانه می‌داند. همچنین تعاریف و نقشهایی متفاوت برای مبانی ارائه‌شده است، مانند، مبانی برنامه‌درسی حدومرز دانش برنامه‌درسی را تعیین می‌کنند و منشأ نظریه‌ها، اصول و آرمانهای رشته‌اند (ارنشتاین و هانکینز[2]، ۲۰۱۶: ۲۸). مبانی تأثیرگذار و حاکم بر اتخاذ اهداف، اصول و شیوه‌های تعلیم و تربیت هستند (ملکی، ۱۳۹۵: ۲۵) و بعد مبانی به دنبال تدوین بنیانهای معرفتی دانش برنامه‌درسی است (امین‌خندقی، ۱۳۹۵: ۹).

این تنوع و تعدد در نقش و تعریف مبانی نشان‌دهنده فهم و درک متفاوت صاحب‌نظران از مفهوم برنامه‌درسی است. تعاریف مطرح‌شده حکایت از این دارد که مبانی برنامه‌درسی نقش اصلی و حیاتی در نظام تربیتی هر جامعه به‌عهده دارد. نقش مبانی برنامه‌درسی به‌طور عام و مبانی دینی به‌طور خاص در قلمرو مطالعات برنامه‌درسی حائز اهمیت بسیار است، زیرا هر نظام آموزشی در پی پرورش انسانی است که در مبانی خود تفسیر کرده است. وقتی‌که در این تفسیرهای خاص دینی تأمل می‌کنیم، به‌طور مشخص متوجه می‌شویم که می‌توان باورهای متفاوتی در عناصر گوناگون برنامه‌درسی پیدا و دلالتهای خاص برای طراحی یادگیری بر اساس مبانی دینی عرضه کرد. مبانی دینی همه افکار و فعالیتهای علمی متفکران را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد و جهت‌گیری علمی آنان را تعیین می‌کند. اعتقاد به این مبانی همه فضای روانی فرد را تحت‌الشعاع خود قرار می‌دهد، به‌طوری‌که می‌تواند نگرش و نوع نگاه اندیشمند را به علم و خواسته‌های او از علم و نیز روش دستیابی به علم، موضوعات، قلمرو و کاربرد آن علم را نیز مشخص کند (بشیری، ۱۳۹۸: ۱۱۷).

توجه به نقش مبانی دینی در وضعیت موجود می‌تواند یکی از ضروریات حوزه دانش برنامه‌درسی باشد، اما وضعیت موجود درگیر معضلی است که به فهم محدود و ناقص از حوزه برنامه‌درسی مربوط می‌شود. این فهم متفاوت از برنامه‌درسی حدود و ثغوری متفاوت را به‌وجود می‌آورد. حال اگر فهم از برنامه‌درسی ناقص و محدود باشد، چه تأثیری بر نقش مبانی دینی خواهد داشت و برای رفع آن چه باید کرد؟ از این‌رو، این پژوهش در پی بررسی و تبیین نقش مبانی دینی در قلمرو مطالعات برنامه‌درسی با توجه به درک و فهم موجود از برنامه‌درسی در وضعیت کنونی آن است.

1. Zais
2. Ornstein & Hunkins

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-17]

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر به سبب ارتباط با موضوع بنیادین تبیین نقش مبانی دینی قلمرو مطالعات برنامه‌درسی با استفاده از روش پژوهش تحلیل نظرورزانه انجام شده است. جستارهای نظرورزانه[1] با نگاه توسعه‌یافته شقوق متفاوتی همچون ۱. بسط یک اندیشه مهم و مهجورمانده در یک حوزه تخصصی ۲. طرح اندیشه‌ای نو و مرزشکنانه با هدف ایجاد گشایش مفهومی و ۳. ارائه صورت‌بندی جدید و نوآورانه از مسائل و مباحث سابقه‌دار در رشته را دربر می‌گیرد. این روش نوعی فراتحلیل است و با بررسی مستندات و تجزیه‌وتحلیل آنها با اســـتفاده از روش اندیشه‌ورزی آگاهانه و عمل هدایت‌شده انجام می‌گیرد (شورت، ۱۹۹۱؛ ترجمه مهرمحمدی و همکاران، ۱۳۸۸: ۸۶).

برای دســـتیابی به تلقیهای متفاوت صاحب‌نظران درباره نقش مبانی دینی برنامه‌درسی در وضعیت موجـــود، آرای صاحب‌نظران بررســـی و با مطالعه و تفحص در این آرا، نقشـــهای اساســـی مبانی دینی برنامه‌درسی که وجه مشترک آرای عده‌ای از متفکران بود، احصا شده است. تعریف خاصی که بر اساس تحلیل نظرورزانه از این نقشها داریم، ممکن است به تعاریف بعضی از صاحب‌نظران نزدیک‌تر و در طیفی یکسان قرارگرفته باشد. این نقشها برای نخستین بار است که مطرح می‌شوند و خاصیت نوآورانه دارند، لذا قطعی نیستند و ممکن است در آینده بتوان از این نقشها تحلیلهایی جدید ارائه یا به‌صورت مدون و ســـازمان‌یافته، به‌نوعی دیگر بتوان صورت‌بندی کرد. برای دستیابی به نقشهای مبانی دینی برنامه‌درسی سه مرحله توصیف، تحلیل و نقد طی شده است.

در گام نخست برای توصیف جستجوی دقیق و گسترده منابع از طریق بررسی پایگاههای اطلاعاتی مانند پروکوئســـت[2]، اریک[3]، مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی[4] و ایرانداک[5] انجام و آثار علمی معتبر شناســـایی شد. در این جســـتجو با کلیدواژه‌هایی مانند مبانی دینی برنامه‌درســـی[6]، مبانی دینی[7] و ... در پی آثار و آرای صاحب‌نظرانی در دو حوزه تعلیم و تربیت و برنامه‌درسی بودیم که به نقش مبانی دینی برنامه‌درسی به‌طور مستقیم و غیرمستقیم یا ضمنی و مجمل توجه داشته‌اند. پس از یافتن منابع به مطالعه آنهـــا در وضع موجود پرداخته شـــد و مطالبی که مرتبط با نقش مبانـــی دینی بود، برای هر صاحب‌نظر به‌صورت جداگانه فیش‌برداری شد.

در گام دوم تحلیل چندین مرحله‌ای طی شد. نخست جداولی تهیه و مضامین اصلی هر صاحب‌نظر که بر اساس نقش مبانی دینی در مرحله پیش فیش‌برداری شده بود، بررسی شد. مطالب درباره نقش مبانی دینی به‌صورت جداگانه در جداول قرار گرفت. مضامینی مانند گستره‌هایی که مبانی بر آنها تأثیر می‌گذارد

1. Speculative essay
2. https://www.proquest.com/
3. https://eric.ed.gov/
4. https://www.sid.ir/
5. Irandoc.ac.ir
6. Religious foundations of the curriculum
7. Religious principles

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-17]

(به‌عنوان‌مثـــال، در بعضـــی دیدگاهها مبانی را در حوزه طراحی و اجرا مؤثـــر می‌دانند و در برخی دیگر بر اهداف، محتوا و ...) در مورد نقشهای متفاوت مبانی دینی بررسی و موارد دارای اشتراک، در یک طبقه قرار گرفت. ســـپس هر طبقه بر اســـاس معنا و مفهومی که جملات به آنها اشـــاره داشت، تحت عنوانی صورت‌بندی شـــد. پس از طبقه‌بندی مضامین و مشـــخص شـــدن عنوان هر طبقه، بازاندیشی مجددی بر اســـاس معیارهای مرحله پیش انجام و طبقاتی که به لحاظ ویژگیهای کارکردی می‌توانستند ذیل هم قرار گیرند، تعیین شد و طبقات مرتبط مشخص و ذیل یک طبقه قرار گرفتند، مانند همه گزاره‌هایی که بر نقش جهت‌دهندگی، راهنمایی و هدایت تربیت و برنامه‌درسی تأکید دارند. پس از طیف‌بندی گزاره‌ها، طبقاتی که از نظر نقش با هم همخوانی داشـــتند، در یک طبقه مشترک با عنوان «طبقات مرتبط» قرار داده شدند.

در مرحله سوم بر اساس تحلیلهای به‌دست‌آمده در زمینهٔ هر یک از ویژگیهای مرتبط با نقش مبانی دینی که از مرحله پیش به‌دست‌آمده بودند، مجدداً وجوه اشتراک و افتراق ویژگیهای مرحله اول بر اساس نزدیک بودن معنا و مفهوم در زمینه نقش مبانی دینی شناســـایی و ویژگیهای جدید برای نقش مبانی دینی صورت‌بندی شدند. این بازاندیشی ثالث به این سبب انجام شد که درکی بهتر برای مخاطب ایجاد شود. این مرحله تحت سه عنوان هویت، سازوکار و عرصه‌ای مفهوم‌پردازی شد. نتیجه این تحلیل به شرح ذیل است.

نقش مبانی دینی برنامه درسی از منظر برخی از مهم‌ترین صاحب‌نظران حوزه مطالعات برنامه درسی در وضع موجود

با بررســـی آرای صاحب‌نظـــران در زمینه نقش مبانی دینی، وجوه اشـــتراک و افتراق دیدگاهها و مضامیـــن مشـــترک موجود در آنها موردبررســـی و تحلیل قرار گرفت. پـــس از آن نقش مبانی دینی در وضعیت موجود در این دیدگاهها شناســـایی و در ســـه گروه طبقه‌بندی شد. گروه اول هویت‌بخش برنامه درســـی‌اند و در واقع نقش مبانی دینی در هویت‌بخشی به برنامه درسی مدنظر است، گروه دوم ویژگیهایی‌اند که ســـازوکاری را برای برنامه درسی فراهم می‌کنند و گروه سوم عرصه اثرگذاری مبانی دینی بر ابعاد معرفتی قلمرو برنامه درسی و عناصر آن را نشان می‌دهند. این ویژگیها می‌توانند آثاری گوناگون با عمق و گســـتره متفاوت بر قلمرو برنامه درسی داشته باشند که در ادامه دربارهٔ آنها توضیح داده خواهد شد.

هویت

هویت به معنـــای روح دینی حاکـم بر بـرنامه‌درسی از جـــمله فهم و نظریه‌پردازی برنامه‌درسی (فتحی‌واجارگاه، ۱۳۸۶: ۳۷) اســـت. وجه اشـــتراک هر یک از نقشـــهای ســـه‌گانه موجود در این طبقه هویت‌بخشی به برنامه‌درسی است.

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-17]

الف) نقش زیربنایی/ مفروضاتی؛ هویت‌بخشی ناظر به طرح پرسشها، موضوعات و مسائل مرتبط با مفروضات و جهان‌بینی حاکم بر برنامه‌درسی است و دربردارنده پنج نقش جهان‌بینی، اثرگذاری بر مفروضات، شالوده‌ای/ زیربنایی، روح‌بخشی و شکل‌دهنده است. نقش جهان‌بینی به مجموعهٔ عقاید و باورها دربارهٔ جهان، انسان و جایگاه او در جهان هستی یا در جامعه بر اساس نظام معرفتی دینی اشاره دارد. به‌زعم ملکی (۱۳۸۵: ۳۵) دین و مبانی دینی تعیین‌کننده ارزشهای اساسی و معیارهای ارزش است. استپ[1] و همکاران (۲۰۱۲: ۸۶-۲۵) و دفتر مدارس کاتولیک[2] (۲۰۰۴: ۱۰-۸) به شکل‌گیری جهان‌بینی جدید اشاره می‌کنند. نقش دیگر مبانی دینی، اثرگذاری بر مفروضات است. اثرینگتون[3] (۲۰۱۴: ۴۰) و فتحعلی (۱۳۹۴: ۱۳۵) مبانی دینی را به‌مثابه مفروضات آموزش دانسته‌اند. موسی‌پور (۱۳۸۵: ۵۷) این ویژگی را عاملی برای دگرگونی مفروضات برنامه‌درسی می‌داند. همهٔ موضوعات و مناسبات یک رشته علمی روی مباحث زیربنایی آن رشته شکل می‌گیرد و هر تغییر جزئی در این شالوده منجر به تغییر روبنا می‌شود. موسی‌پور (۱۳۸۵: ۵۸-۵۷) مبانی دینی را ترسیم‌کننده وضع مطلوب برنامه‌درسی می‌داند. جانسون- میلر و پازمینیو[4] (۲۰۲۰: ۲) و الهداوی[5] (۲۰۱۱: ۲) نقش بنیادها و ضرورتهای نظام آموزشی را به مبانی دینی نسبت می‌دهند. صاحب‌نظران دیگر روح برنامه‌درسی را معارف اسلامی می‌دانند که باید در عناصر برنامه‌درسی جاری شود (التومی‌الشیبانی[6]، ۱۹۸۸؛ الهداوی، ۲۰۱۱؛ ملکی، ۱۳۸۹: ۳۲). برخی دیگر معتقدند که مبانی دینی نقش شکل‌دهنده دارد. اثرینگتون به شکل‌دهی نگرش و تفکر متخصصان (اثرینگتون،۲۰۱۴: ۴۰) و برخی به شکل‌دهندگی به برنامه درسی (بهشتی و همکاران ، ۱۳۷۶: ۱۴؛ استپ و همکاران ، ۲۰۱۲: ۸۵) اشاره می‌کنند. هر برنامه‌درسی برخوردار از شاکلهٔ ویژه برآمده از مبانی دینی آن است.

ب) نقش هویت‌بخشی ناظر بر دو نقش الهیاتی/ منطق‌بخشی است که بستر فهم منطق حاکم بر برنامه‌درسی و درک الهیاتی را فراهم می‌کند. به‌عبارت‌دیگر درک روشن از برنامه‌درسی مستلزم درک الهیاتی آن است و ازآنجاکه برنامه‌درسی یک متن الهیاتی و به‌عبارتی پروژه اخلاقی/ معنوی است، لذا نقش مبانی دینی، ماهیتی الهیاتی دارد (پاینار[7] و همکاران،۱۹۹۶: ۶۳۵). نقش منطق‌بخشی مبانی دینی برنامه‌درسی موجب فراهم شدن درکی معقول و روشن از برنامه‌درسی و ایجاد چارچوب منطقی می‌شود (استپ و همکاران، ۲۰۱۲: ۲۵ و رهبر و رحیمیان، ۱۳۷۸: ۳۳).

ج) نقش توصیفی/ هنجاری پیرامون هستها و بایدهای برنامه‌درسی است یا از هویت موجود و مطلوب برنامه‌درسی صحبت می‌کند. نقش تجویزی نقش جهت‌دهنده و ارزش‌دهی است که بر

1. Estep
2. Catholic Schools Office
3. Etherington
4. Johnson-Miller & Pazmiño
5. Al-Hudawi
6. Al-Tumi Al-Shaybain
7. Pinar

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-17]

انتقال ارزشـــها به برنامه‌درسی (اشرف[1]،۱۹۹۳: ۲) و بر ماهیت ارزشـــی و مفهوم‌شناسانه آن تأکید دارد(علم‌الهدی،۱۳۸۴: ۲۶۰-۲۵۹). نقش توصیفی قضایای شامل «است» که امکانات و محدودیتهای حیات آدمی تحت‌تأثیر آنهاست را بیان می‌کند (اعرافی، ۱۳۹۵: ۳۲). درواقع مبانی دینی برنامه‌درسی اوصاف وجودی انسان و جهان است که به شکل گزاره‌های توصیفی بیان می‌شوند (بهشتی، ۱۳۸۹: ۲۹).

درمجموع می‌توان گفت که برنامه‌درسی متأثر از مباحث مطرح‌شده در هر یک از مبانی سه‌گانه این طبقه، هویتی ویژه می‌یابد.

● ساز و کار

ســـازوکار معادل مکانیزم به معنای توصیف دقیق عملکـــرد مراحل مختلف یک واکنش و به‌عبارتی روال کار است (فرهنگ معین، ذیل واژه). پس مبانی برای برنامه‌درسی سازوکاری ایجاد می‌کند که ناظر بر ویژگیهای مشخص و شامل سه نقش اصلی است که عبارت‌اند از:

الف) تمایز بخشی؛ بیان می‌کند که مبانی دینی می‌تواند باعث تمایز نظام آموزش و برنامه‌درسی از دیگر نظامهای دینی و غیردینی و متمایز شـــدن یک نظام آموزشـــی از سایر نظامها شود، چراکه دین عامل مهمی در متمایز شدن نظامهای آموزشی از یکدیگر است و بر تمامی ابعاد برنامه‌درسی اثر می‌گذارد (مرزوقی، ۱۳۹۶: ۴۷-۴۵؛ ارنشتاین و لوین[2]، ۲۰۰۸: ۵۲).

ب) تحولی؛ حاصل دو نقش پویایی و تحول‌بخشـــی اســـت. پویایی ناظر به تحول برنامه‌درسی در برابر تغییرات فرهنگی، اجتماعی و زمانی اســـت. به این معنا که مبانی دینی در هر عصر و تاریخ با توجه به زمان خود قابل‌اســـتفاده اســـت (اثرینگتون،۲۰۱۴: ۳۸)، پس برنامه‌درسی اسلامی باید به‌تفاوتهای فردی، اقلیمی و پویایی در برابر تغییرات توجه داشته باشد (التومی‌الشیبانی، ۱۹۸۸: ۳۵۵). ایـــن ویژگی منجربه تناســـب برنامه‌درســـی با مقتضیات عصر خویش می‌شـــود. به‌زعم اســـکات[3] (۱۹۸۴: ۲۳۹-۲۳۸) مبانی دینی منجر به تغییر اندیشه می‌شود. ویژگی تحول‌بخشی تأکید بر تحول اندیشـــه و به‌تبع آن، تحول برنامه‌درسی داشـــته و بیان می‌کند که دین با پاسخگویی به پرسشهای انسان، به زندگی او معنا بخشیده و با پاسخ به پرسشهایی درباره خلقت، زندگی و ... موجبات تحول بشر در بعد فردی و اجتماعی را فراهم می‌کند (مرزوقی، ۱۳۹۶: ۴۵).

ج) یکپارچه کردن؛ ماحصل ســـه نقش وحدت‌بخشـــی، جامعیت‌بخشـــی و تلفیق ارزشهای برنامه‌درســـی است. وحدت‌بخشـــی یعنی عناصر و ابعاد مختلف برنامه‌درســـی در پیوند با یکدیگر معنا پیدا می‌کنند. مبانی دینی موجب وحدت فکری برنامه‌ریزان درســـی می‌شود و این خصیصه را به برنامه‌درســـی منتقل می‌کند (اشرف، ۱۹۹۳: ۲). وحدت‌بخشی می‌تواند در ارتباط با دانش فراگیر

1. Ashraf
2. Levine
3. Scott

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-17]

(الهداوی، ۲۰۱۲: ۴-۳) یا هماهنگی میان رشد معنوی و فکری او (بهشتی، ۱۳۸۷) باشد. جامعیت یعنی پیوند میان ابعاد و اجزای برنامه‌درسی که به‌نوعی مکمل یکدیگرند. بر اساس این نقش، نظام آموزشی باید فرد جامع‌الاطراف تربیت (ملکی،۱۳۸۵: ۶۵-۴۹) و موجبات پرورش تمامی ابعاد انسانی را فراهم کند (یاکوب و امبونگ [1]،۲۰۰۸، ۲۰). نقش تلفیق به وجود دو گونه نظام آموزش ملی سکولار مدرن و دینی اشاره دارد. در نظام ملی سکولار به مسائل دینی کامل پرداخته نمی‌شود و روش تدریس به‌گونه‌ای است که اجازه تفکر انتقادی و خلاق را به فراگیر نمی‌دهد و برنامه‌درسی یکپارچه اسلامی [2] را بهترین راه‌حل این مسئله می‌داند(یاکوب و امبونگ، ۲۰۰۸: ۲۰). به عقیده یاکوب و امبونگ (۲۰۰۸: ۲۱-۲۰) نقش مبانی دینی از منظر توحیدی ایجاب می‌کند که ارزشهای دینی و سکولار باهم تلفیق شوند.

از این‌رو درواقع سازوکار مبانی سازوکاری برای برنامه‌درسی ایجاد می‌کند که ناظر بر ویژگیهای مشخص باشد. هر یک از این نقشها به‌طورکلی سازوکاری را برای برنامه‌درسی فراهم می‌کند که به‌واسطه تمایزات ماهویشان، اثرگذاری متفاوتی بر برنامه‌درسی دارد و گستره و عمق هر یک متفاوت است.

عرصه‌ای

نقش عرصه‌ای مبانی دینی برنامه‌درسی ماحصل دو نقش اساسی اثرگذاری بر عناصر برنامه‌درسی و اثرگذاری بر ابعاد برنامه‌درسی است. شایان ذکر است که منظور از ابعاد، ابعاد معرفتی دانش برنامه درسی است که کلی و عام‌اند و منظور از عناصر، عناصر خاص یک برنامه درسی است که جزئی‌اند. این تفکیک برای نشان دادن میزان نفوذ و اثرگذاری مبانی دینی به‌صورت عام و خاص در قلمرو مطالعات برنامه درسی و اهمیت آن است.

الف) اثرگذاری بر عناصر برنامه‌درسی از نقشهای پنجگانه اثرگذاری بر اهداف، محتوا، ارزشیابی، روشهای یاددهی-یادگیری، فراگیر و اثرگذاری بر ذهن و بینش مربی و متخصص برنامه‌ریزی درسی تشکیل شده است. صاحب‌نظران معتقدند که مبانی دینی نقش اساسی در تعیین هدفهای برنامه‌درسی دارد (مهرمحمدی و همکاران، ۱۳۸۶؛ الهداوی، ۲۰۱۱؛ مردانی، ۱۳۹۵) و هر دینی این هدف را متفاوت از دیگر ادیان ترسیم می‌نماید (بهشتی، ۱۳۸۷: ۱۸). در نقش اثرگذاری بر محتوای برنامه‌درسی، به‌زعم میلر (۱۹۷۷: ۴۶) مفروضات الهیاتی به‌عنوان مبانی دینی، محتوا را تعیین می‌کنند. همچنین مجموعه معرفت دینی می‌تواند به‌عنوان محتوا در آموزش‌وپرورش استفاده شود (موسی‌پور، ۱۳۸۵: ۵۸). درباره نقش اثرگذاری بر روشهای یاددهی- یادگیری برنامه‌درسی، بیان‌شده که آموزه‌های دینی در حکم مبانی دینی باید منجر به‌کاربست روشهای یکپارچه به شیوه دل‌پذیرتری شوند (یاکوب و امبونگ، ۲۰۰۸: ۲۱). مفروضات الهیاتی در منابع مسیحی یا روش را

1. Yaacob & Embong
2. Integrated Islamic curriculum

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-17]

تعیین می‌کنند یا منجر به تغییر آن می‌شوند (میلر، ۱۹۷۷: ۴۶ و اسکات، ۱۹۸۴: ۲۳۸). نقش دیگر اثرگذاری بر ارزشـــیابی برنامه‌درسی اســـت به‌نحوی که مبانی دینی را در انتخاب ارزشیابی اثرگذار می‌دانند(موســـی‌پور، ۱۳۸۵: ۵۷). الهداوی (۲۰۱۲: ۶) اذعان می‌کند مبانی دینی به‌عنوان مفاهیم اساســـی باید در ارزشیابی برنامه‌درسی منعکس شـــوند. در نقش اثرگذاری بر عنصر فراگیر، اعتقاد بر این است که مبانی دینی در رشد متعادل[1] انسان مؤثر بوده(اشرف، ۱۹۹۳: ۲) و هدفی همه‌جانبه را برای آموزش فراگیر فراهم می‌کنند (الهداوی، ۲۰۱۲: ۶-۳) تا به این طریق تفکری علمی، انتقادی و خلاقانه در پیوند با ارزشـــهای اسلامی در فراگیر ایجاد شود (یاکوب و امبونگ، ۲۰۰۸: ۲۲). نقش اثرگذاری بر ذهن و بینش عمل مربی و متخصص برنامه‌درسی بیان می‌کند که شناخت مبانی دینی بـــه برنامه‌ریزان کمک می‌کند تا موانع فرایند تربیت و برنامه‌درســـی را مرتفع(ملکی، ۱۳۸۵: ۲۹) و جهت و مقصد حرکت را برای برنامه‌ریز روشـــن کنند (موســـی‌پور، ۱۳۸۵: ۵۸) و نیز اساس نگرش مربیان را شکل می‌دهد (اثرینگتون، ۲۰۱۴).

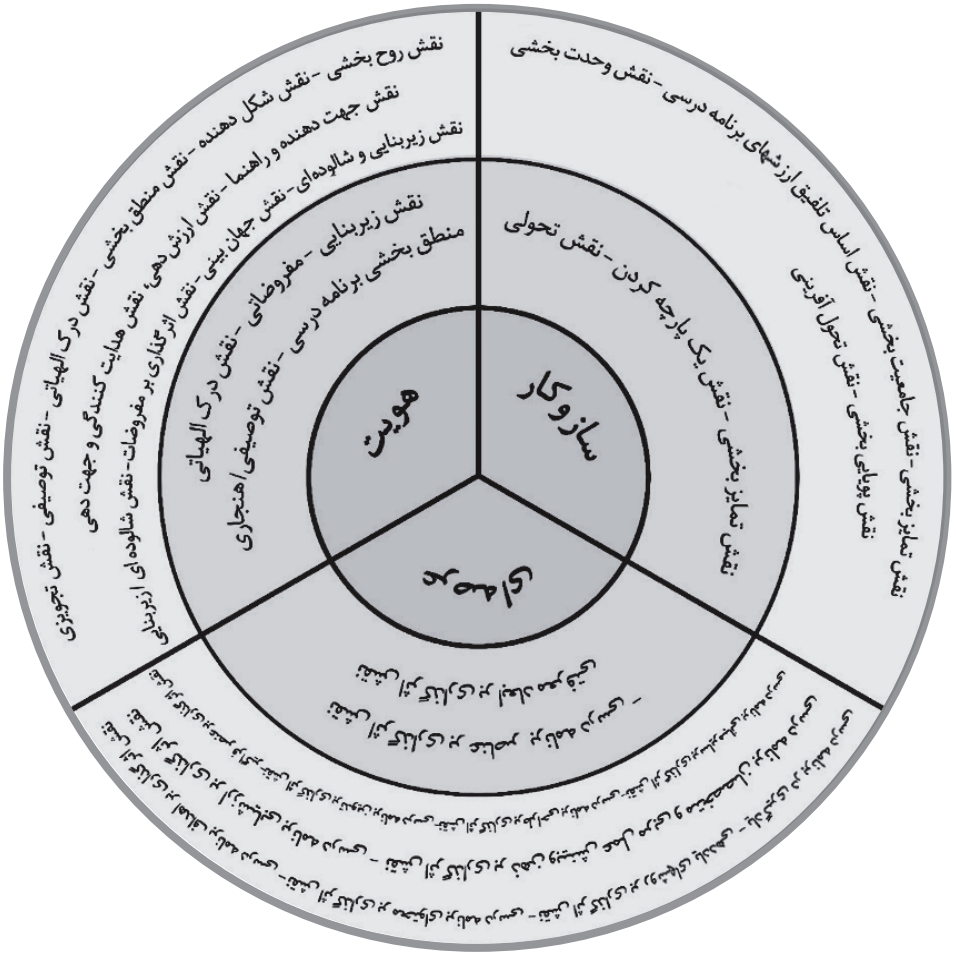
ب) اثرگذاری بر ابعاد معرفتی برنامه‌درســـی ســـه نقش اساســـی اثرگـــذاری بر تدوین برنامه‌درسی، اثرگذاری بر سایر مبانی برنامه‌درسی و اثرگذاری بر طراحی برنامه‌درسی را دربر دارد. در نقش اثرگذاری بر تدوین برنامه‌درسی، باور دارند که الهیات به‌عنوان مبانی دینی باید بر نحوه تدوین برنامه‌درســـی تأثیر گذارد (اســـتپ و همکاران، ۲۰۱۲: ۸۴ و الهداوی،۲۰۱۲: ۶). برخی مانند اشرف (۱۵:۱۹۹۳)، الهداوی (۲۰۱۲: ۶) و ســـایر[2] (۲۰۰۴) از ضرورت انعکاس مضامین دینی و جهان‌بینی اسلامی در طراحی برنامه‌درسی ســـخن می‌گویند. موسی‌پور (۱۳۸۵: ۵۸) مبانی دینی را به‌واسطه بهره‌مند بودن از معرفت دینی بر حوزه‌های مختلف زندگی بشـــری، ازجمله برنامه‌درســـی اثرگذار می‌دانـــد. فتحعلی و همکاران (۱۳۹۴)، میلـــر (۱۹۷۷) و پاینار و همکاران(۱۹۹۶) با بیان مضامینی مانند: مبانی دینی زیربنای مبانی دیگر اســـت، مبانی دینی بر ســـایر مبانی تأثیرگذار است، به‌نوعی به‌اثرگذاری مبانی دینی بر سایر مبانی اشاره دارند. از جمع‌بندی مطالب مذکور می‌توان نقشی جدید برای مبانی دینی با عنوان اثرگذاری بر سایر مبانی برنامه‌درسی مفهوم‌پردازی کرد.

در مجموع، نقش مبانی دینی می‌تواند عرصه‌ای برای اثرگذاری بر ابعاد معرفتی و عناصر برنامه‌درسی در ســـطوح و عمقهایی متفاوت باشد. عرصه ابعاد، گســـتره‌ای وسیع‌تر نسبت به عرصه عناصر دارد، زیرا وقتی که عرصه ابعاد تحول می‌یابد، می‌تواند برداشتی متفاوت نسبت به عناصر مطرح کند یا اینکه عناصر از نظر کمی و کیفی تحت‌تأثیر این تغییر دچار قبض و بسط و تغییر کیفیت و ماهیت شوند.

از آنچه در این بخش به‌تفصیل بیان شـــد، شـــکل شـــماره ۱ ناظر بر طبقه‌بندی نقش مبانی دینی دربرنامه‌درسی از منظر صاحب‌نظران و مؤلفه‌های گوناگون آن حاصل شده است.

1. Balanced growth
2. Sawyer

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-17]



شکل ۱. طبقه‌بندی نقش مبانی دینی برنامه‌درسی

فهم موجود مبانی دینی در برنامه‌درسی ناظر به نگاه پارادایمتیک صاحب‌نظران به حوزه مبانی دینی برنامه‌درسی

با بررسی دیدگاه صاحب‌نظران در مورد نقش مبانی دینی برنامه‌درسی مشخص شد که یکی از عوامل اثرگذار بر جایگاه و نقش مبانی دینی در حوزه برنامه‌درسی، انواع و عمق تأثیرگذاری مبانی دینی بر برنامه‌درسی است که متأثر از تعریف و درک هر صاحب‌نظر از مفهوم برنامه‌درسی است. هر تعریف از برنامه‌درسی معنایی از حدودوثغور، مسائل و موضوعات رشته را در پی دارد. به اعتقاد بوشامپ[1]

1. Beauchamp

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-17]

برنامه‌درسی می‌تواند سه معنا شامل برنامه‌درسی به‌عنوان سندی مکتوب، به‌عنوان نظام و به‌عنوان قلمرو مطالعاتی که ساختار موضوعی و قلمروهای این رشته تخصصی را موردتوجه و بحث قرار می‌دهد (به نقل از مهرمحمدی و همکاران، ۱۳۹۷: ۵۵) داشته باشد.

با بررسی وضعیت موجود، می‌توان گفت که فهم اغلب صاحب‌نظران بررسی‌شده از معنای برنامه‌درسی، برنامه‌ریزی درسی بوده و عده‌ای معدود برنامه‌درسی را به معنای قلمرو مطالعاتی لحاظ کرده‌اند. در ادامه به توضیح نظرات این دو گروه می‌پردازیم.

- **برنامه‌درسی به‌مثابه برنامه‌ریزی درسی (برنامه‌درسی مدرسه):** گروه اول برنامه‌درسی را به‌عنوان برنامه‌ریزی درسی لحاظ کرده و با نگاهی خطی و فنی، آن را عمل فنی در قالبی از روشها و رویه‌ها با تمایزات جزئی و شکلی سطحی در نظر می‌گیرند. در این نگاه، مبانی دینی به‌عنوان منبع، نقشی در تغییر ماهیت فنی و خطی ندارد و تأثیر آن صرفاً بر عناصر برنامه‌درسی است. مثلاً، الهداوی (۲۰۱۲: ۱) با همان تلقی خطی از برنامه‌درسی و تعریف آن به‌عنوان برنامه‌ریزی درسی می‌خواهد دانشی را که فراگیر در برنامه‌درسی یاد می‌گیرد، یکپارچه و جامع سازد. او تلقی خود را از دانش محدود به دانش فراگیر کرده است نه به‌کل دانش برنامه‌درسی. استپ و همکاران (۲۰۱۲: ۲۰) عناصر تشکیل‌دهنده برنامه‌درسی مسیحی را تابع کتاب مقدس می‌داند. او نیز برنامه‌درسی را معادل برنامه‌ریزی درسی می‌داند و در پی آن به تمامی ابعاد معرفتی برنامه‌درسی توجه ندارد. علم‌الهدی (۱۳۸۴) معتقد است اگر دیدگاه کلان فلسفی/ارزشی شناسایی و تدوین شود، کل برنامه‌درسی اسلامی از حیث نظری تعیین تکلیف شده، درحالی‌که اگر سایر ابعاد معرفتی برنامه‌درسی، مانند طراحی، پژوهش و ... تعیین تکلیف نشود، نمی‌توان انتظار داشت برنامه‌درسی اسلامی کامل مفهوم‌پردازی و محقق شود (امین‌خندقی و مهدوی‌خواه، ۱۳۹۵: ۱۶). صاحب‌نظران دیگری چون ملکی (۱۳۹۵)، موسی‌پور (۱۳۸۵)، الشیبانی (۱۹۸۸) و اشرف (۱۹۹۳) نیز قائل به همین تعریف محدود و ناقص برای برنامه درسی‌اند.
- **برنامه‌درسی به‌مثابه قلمرو مطالعاتی:** دسته دوم برنامه‌درسی را رشته‌ای مطالعاتی در نظر گرفته‌اند، اما به ابعاد مشخص و محدودی اشاره داشته‌اند، مانند اسناد فرادستی (۱۳۹۰). باید دقت داشت که در هریک از ابعاد معرفتی قلمرو دانش برنامه‌درسی موضوعاتی متفاوت وجود دارد که برخی از آنها مانند طراحی برنامه‌درسی مغفول مانده است. در این زمینه دو نوع مواجهه کلان می‌توان داشت: مواجهه نظری با این حوزه به‌عنوان بعد معرفتی و مواجهه عملی در مقام کاربست مباحث آن در عرصه عمل. در این پژوهش مواجهه نظری با هر یک از ابعاد معرفتی، ازجمله حوزه طراحی برنامه‌درسی مدنظر است. به‌عبارت‌دیگر، مقصود تبیین و توسعه نظریِ مفهوم، قلمرو و مباحث آنهاست. لذا اساساً مواجهه ما با قلمروهای معرفتی این حوزه به‌مثابه مواجهه نظری با پدیده‌ای نظری است. مثلاً، در مواجهه نظری با بعد طراحی برنامه‌درسی دو بخش کلان مطرح است: بعد ناظر

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-17]

بر تصمیم‌گیری دربارهٔ مبانی ارزشـــی و بعد پرداختن (نظری) به تصمیم‌گیری فنی و تکنیکی دربارهٔ چگونگی اعمال عناصر برنامه. از این منظر، اغلب صاحب‌نظران، همچون اشـــرف (۱۹۹۳) و الهداوی (۲۰۱۱ و ۲۰۱۲) به بعد فنی و تکنیکی پرداخته‌اند و شـــاید بتوان گفت که تصور صورت‌گرایانه به عناصر برنامه‌درسی داشـــته‌اند. اینکه محتوای کتابهای درسی مملو از آیات و روایات اسلامی باشد، بدون آنکه مفهوم‌پردازی در مقوله طراحی به‌عنوان بعدی معرفتی داشته باشد، یکی از مصادیق است. عدم توجه کامل به بعد نظری ســـبب ایجاد نگاهی ناقص به دانش برنامه‌درســـی می‌شود. برخی از صاحب‌نظران مانند پاینار برنامه‌درسی را متنی اجتماعی می‌دانند و در پی ساخت برنامه‌درسی نبوده بلکه در پی فهم برنامه‌درسی‌اند. از این نگاه، مبانی دینی نه برای برنامه‌ریزی درسی و تصمیم‌گیری در عرصه عمل بلکه همچون ســـایر مبانی منبع و مأخذی برای فهم و درک برنامه‌درســـی اســـت. اگرچه این نوع نگاه، نگاهِ خطی به مطالعات برنامه‌درســـی را تغییر داد، بررسی دیدگاههای متفکران نشـــان می‌دهد که نگاه پایناری روحی جدید در کالبد دانش برنامه‌درسی دمیده است. البته پذیرش شکاکیت و تبیین نسبی‌گرایانه از دین و اخلاق و تلاش برای ساختارشکنی از آنها منجر به بی‌نظمی و هویت‌زدایی از جوامع بشری می‌شود (امین‌خندقی و قادری، ۱۳۹۴: ۲۰). نتیجه آنکه مبانی دینی در وضعیت موجود حضور دارد، اما جایگاهش اولاً محدود است و ثانیاً عمق و تأثیر کمی دارد.

به‌سوی فهمی جدید از مبانی دینی برنامه‌درسی: بنیادی برای نظریه‌پردازی در حوزه مطالعات برنامه‌درسی

پس از پایان مراحل توصیف، تحلیل و تعیین نقشهای مبانی دینی برنامه‌درسی در وضعیت موجود، مشخص شد که مبانی دینی برنامه‌درسی در هر یک از دیدگاهها و طبقه‌بندیهای مطرح‌شده به شیوه‌هایی متفاوت بر برنامه‌درسی اثرگذارند و اغلب صاحب‌نظران نگاهی کامل و جامع به حوزه برنامه‌درسی و ابعاد معرفتی آن نداشـــته‌اند. لذا پرداختن به حدود و ثغور دانش برنامه‌درســـی از نگاه صاحب‌نظران می‌تواند راهگشا باشد، زیرا یکی از عوامل بسیار اثرگذار بر جایگاه و نقش مبانی دینی در حوزه برنامه‌درسی، انواع و عمق تأثیرگذاری مبانی دینی بر برنامه‌درسی و نگاه هر صاحب‌نظر به گستره و حدودوثغور برنامه‌درسی اســـت. باید توجه داشـــت که بر اســـاس تعریفی که از نقش مبانی دینی صورت می‌گیرد، انواع و عمق اثرگذاری مبانی دینی بر برنامه‌درســـی متفاوت خواهد بود، لذا توجه ناقص به حوزه برنامه‌درسی و درک نادرست حدود و ثغور آن مانع از اثرگذاری وسیع مبانی دینی خواهد بود. بنابراین، برای رفع این نقص و دستیابی به توسعه نظری در تمام ساحتهای برنامه‌درسی، توجه به گستره و حدود و ثغور رشته مطالعات برنامه‌درسی الزامی است.

گام اول برای پژوهش در یک حوزه علمی، داشـــتن تصویری جامع از حدود و ثغور آن قلمرو معرفتی است. با تعیین حدود و ثغور رشته، تصویر روشنی از ماهیت پدیده به‌دست می‌آید و خلأها و نقصانها آشکار

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-17]

و مشخص می‌شود که به چه مسائلی توجه شده و چه مسائلی مغفول مانده است (امین‌خندقی، ۱۳۸۹: ۱۴۱). برای روشـــن شـــدن بحث، آن را در دو بخش تحت عناوین برنامه‌درسی به‌مثابه دانش و نقشهای جدید برای مبانی دینی برنامه‌درسی ارائه کرده‌ایم.

برنامه‌درســـی به‌مثابه دانش: برنامه‌درســـی یک قلمرو مطالعاتی است که همانند هر علم دیگر، ابعـــادی خاص دارد (مهرمحمدی و همکاران،۱۳۹۷: ۱). ایـــن ابعاد معرفتی از نگاه بهار[1] (۱۹۹۲: ۱۰۳) شامل مبانی، نظریه، پژوهش، تاریخ، ارزشیابی، طراحی، سیاستگذاری و اجرای برنامه‌درسی و برنامه‌ریزی درسی است. بر اساس یافته‌های پژوهشی و با معیار جامعیت، طبقه‌بندی بهار به‌عنوان طبقه‌بندی معیار در این پژوهش پذیرفته‌شده است. در وضعیت مطلوب سعی شده نگاهی حداکثری به نقش مبانی دینی در قلمرو دانش برنامه‌درسی داشته باشیم، به‌نحوی‌که اثرگذاری نقش مبانی دینی در همه ابعاد معرفتی دانش برنامه‌درسی و موضوعات اساسی آن حاکم باشد. این نگاه حداکثری می‌تواند منجر به تغییر و تحول در ابعاد معرفتی دانش برنامه‌درسی شود. این تغییرات را بر اساس هر بعد می‌توان این‌گونه مطرح کرد:

۱. در بعد معرفتی تاریخ برنامه‌درسی از منظر نظری یکی از مسائل مغفول در حوزه برنامه‌درسی فقدان مبانی دینی برای این نگرش تاریخی است. به‌عبارت‌دیگر، آنچه غالباً در حوزه برنامه‌درسی مشاهده می‌شود، روایتی سکولار از تاریخ حوزه است که عمدتاً به‌موازات عصر روشنگری تولد و با شکل‌گیری فلسفه و علوم جدید ظهور کرد که عمدتاً مدرنیته و علوم مدرن، مانند تعلیم و تربیت و... را منفک از دین و مستقل از آن روایت می‌کند. این روایت را دوگونه می‌توان تصور کرد. ابتدا اینکه تولد علوم جدید ازجمله برنامه‌درسی فارغ از هرگونه مفروضات دینی محقق شود و دیگر اینکه در نظریه‌پردازیهای عصر مدرن و پس‌ازآن، مفروضات دینی هیچ جایگاهی در کمک به نظریه‌پردازی و توسعه نظری علوم ندارند. عمده متون رشته برنامه‌درسی روایتی غیردینی از تاریخ این حوزه مطرح می‌کنند (قادری، ۱۳۹۷). لذا اگر مبانی دینی را مجموعه‌ای از گزاره‌های مفروض برای طراحی هر نظام بدانیم، در حال حاضر نگرش تاریخی موجود به حوزه برنامه‌درسی فاقد مفروضات دینی است. در نظر گرفتن این مفروضات دینی برای ارائه روایت تاریخی جدید، می‌تواند هویتی متفاوت برای جهان امروز رقم بزند (کارل لوویت[2]، ۱۹۵۳؛ ترجمه حاجی‌ناصری و ابراهیمی، ۱۳۹۶: ۲۰). پیامد مهم اثرگذاری مبانی دینی بر تاریخ برنامه‌درسی هویت متفاوتی است که می‌تواند برای آن ایجاد کند. توجه به مفروضات دینی برای نگرش تاریخی به برنامه‌درسی ماهیت این بعد معرفتی را دستخوش تغییر خواهد کرد که به‌تبع آن، مباحث مطرح در این حوزه نیز متأثر از مفروضات دینی خواهد شد و به‌واسطه مبانی دینی نگاه تاریخی به برنامه‌درسی امکان ظهور مسائل جدید را فراهم می‌کند (امین‌خندقی و مهدوی‌خواه، ۱۳۹۶: ۲۹). در وضعیت

1. Behar
2. Karl Löwith

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-17]

موجود، صاحب‌نظران به تأثیر مبانی دینی در بعد تاریخی برنامه‌درسی اشاره ندارند؛ بنابراین، به‌نظر می‌رسد نگاه مطلوب به تأثیرگذاری مبانی دینی بر قلمرو تاریخ برنامه‌درسی ناظر به انواع و نقش ماهیتی که در این مطالعه به‌دست آمد، امکان تأمل در زمینهٔ صورت‌بندی جدید از نسبت مبانی دینی با قلمرو تاریخ برنامه‌درسی را به وجود می‌آورد؛ به‌عنوان‌مثال، با این پیش‌فرض از یک‌سو می‌توان با توجه به مفروضات دینی، خصیصه الهیاتی- منطق‌بخشی را که بیانگر نقش و چارچوب دینی و الهیاتی برای حوزه برنامه‌درسی است خصیصه‌ای دینی لحاظ کرد و از سوی دیگر، با توجه به بعد تاریخی برنامه‌درسی، نگرشی دینی به تحولات تاریخی حوزه برنامه‌درسی اتخاذ کرد.

۲. در بعد معرفتی ارزشیابی دانش برنامه‌درسی از منظر نظری در وضعیت موجود، برخی از صاحب‌نظران به بحث تأثیر مبانی بر بعد معرفتی ارزشیابی برنامه‌درسی اشاره‌کرده‌اند، اما عمده دیدگاههای مطرح‌شده در این مورد صرفاً مطالب کلی درباره اثرگذاری مبانی دینی بر ارزشیابی است و حتی در مواردی که دیدگاهی تا حدی نسبت مبانی دینی و ارزشیابی را تبیین کرده، این تأثیرگذاری را به‌طور گسترده و عمیق ناظر به اثرگذاری مفروضات دینی بر نقش و تمامی موضوعات قلمرو ارزشیابی تبیین نکرده است؛ مثلاً، موحدی محصل طوسی (۱۳۹۳) برنامه درسی را در معنای برنامه‌ریزی درسی لحاظ و چهار عنصر هدف، ملاک و معیار و روش و ارزشیابی را بررسی کرده است. لذا در نگاه جدید به اثرگذاری مبانی دینی بر بعد ارزشیابی برنامه‌درسی، علاوه بر اینکه می‌توان مفهوم‌شناسی مبتنی بر مفروضات دینی از ارزشیابی برنامه‌درسی ارائه کرد، می‌توان تمامی موضوعات این حوزه را براساس مبانی دینی به‌گونه‌ای متفاوت نگریست. معنای برداشت‌شده از برنامه‌درسی از سوی اغلب صاحب‌نظران در وضعیت موجود صرفاً برنامه‌ریزی درسی است، درحالی‌که در وضعیت مطلوب، پیش‌فرضهای دینی در نسبت با ارزشیابی برنامه‌درسی نه‌تنها متأثر از نگاه خطی به برنامه‌درسی نیست، بلکه نقش اساسی در شکل‌گیری نگاه جدید به برنامه‌درسی خواهد داشت.

۳. در بعد معرفتی سیاستگذاری برنامه درسی از منظر نظری در وضعیت موجود، به سیاستگذاری توجهی نشده است. مبانی سیاستگذاری آن دسته از گزاره‌های مفروضی هستند که از یک‌سو جایگاه برنامه‌درسی را در نظام سیاسی کشور نشان می‌دهند و از دیگر سو، چگونگی تأثیر نظام سیاسی را در حوزه برنامه‌درسی بیان می‌کنند (امین‌خندقی، ۱۳۹۵: ۱۰). ازآنجاکه موضوع دین و سیاست، پرورش انسان است، لذا باید دین و سیاست در ارتباط با هم برای پرورش انسان برنامه‌ریزی کنند (زحمتکش و جعفری،۱۳۹۰: ۷۸۱). با توجه به وجود این روابط در وضعیت مطلوب، گزاره‌های دینی در ابعاد اعتقادات، اخلاقیات و احکام می‌تواند دستمایه فرضیه‌سازی، قانون‌گذاری و نظریه‌پردازی قیاسی باشد یا امکانات پژوهشی جدیدی را جهت نقد و نقادی

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-17]

نظریه‌های موجود فراهم کند. با اعتقاد به اثرگذاری مبانی دینی بر بعد سیاستگذاری در دانش برنامه‌درسی می‌توان مفهوم‌پردازی جدیدی از آن عرضه داشت.

۴. در بعد معرفتی مبانی و جهت‌گیریهای کلان برنامه‌درسی از منظر نظری در وضعیت موجود، برخی از صاحب‌نظران مانند استپ، اشرف، علم‌الهدی، ملکی و موسی‌پور به مبانی دینی در برنامه‌درسی به‌صورت صریح یا ضمنی اشاره داشته‌اند، اما آنچه مهم است، عمق و اثرگذاری این بعد در قلمروی مطالعاتی برنامه‌درسی است، زیرا کمتر به دانش برنامه‌درسی توجه شده و تأکید غالب بر برنامه‌ریزی درسی بوده، عمق و اثرگذاری مبانی دینی به‌خوبی ظهور نیافته است. در وضعیت موجود، مبانی دیگر گاهی ذیل مبانی دینی (مانند مبانی نظری سند تحول) و گاهی به‌موازات آن تعریف شده‌اند که مبانی دینی ذیل آنها قرارگرفته است، اما در وضعیت مطلوب، نگاه ما این است که مبانی دینی مفروض اساسی همه اقسام مبانی برنامه‌درسی باشد و تمام موضوعات این قلمرو را بر اساس مبانی دینی موردمطالعه و فهم قرار دهد. بنابراین باید مفهومی از مبانی برنامه‌درسی را ارائه کنیم که در پی آن، اقسام گوناگون مبانی، مبتنی بر نگاه دینی باشد. در چنین شرایطی می‌توان گفت که سایر مبانی با مبانی دینی نسبت عموم و خصوص مطلق دارند.

۵. در بعد معرفتی نظریه برنامه‌درسی از منظر نظری، مبانی دینی در این بعد نیز می‌توانند تأثیراتی عمیق و گسترده داشته باشند. مثلاً، گزاره‌های دینی می‌توانند در نقش پیش‌فرض برای صاحب‌نظران نقش‌آفرینی کنند و در نهایت، پس از طی مراحل پژوهشی، دستاوردهای علمی جدیدی را در مباحثی همچون رویکردهای نظریه‌پردازی دینی در برنامه‌درسی، طبقه‌بندی نظریه‌ها بر اساس معیارها و مبانی دینی و بررسی ماهیت نظری یا عملی مسائل برنامه‌درسی را متأثر از مفروضات دینی به وجود آورند. چون نظریه برنامه‌درسی به‌طورکلی نظریه درباره نظریه برنامه درسی است، این نگاه نظری در مورد نظریه برنامه‌درسی، زمانی که برخاسته از مفروضات دینی باشد، نه صرفاً نظریه‌ای دربارهٔ مسائل دینی، بلکه نظریه‌ای ماهیتاً دینی خواهد بود. مثلاً حاصل تأمل و نظریه‌پردازی دربارهٔ ویژگیهای نظریه از منظر دینی می‌تواند نظریه دینی در مورد نظریه برنامه‌درسی باشد.

۶. بعد معرفتی طراحی برنامه‌درسی، از منظر نظری در شرایط موجود، به بعد طراحی برنامه‌درسی نسبت به سایر ابعاد توجه بیشتری شده است. بررسیها نشان داده‌اند که این توجه نشان‌دهندهٔ اثرگذاری گسترده و ژرف مبانی دینی بر برنامه‌درسی نیست، زیرا با توجه به تقسیم مسائل اصلی این بعد به دودسته کلان و خرد، نگاههای موجود غالباً به دسته مسائل فنی است نه یک نگاه و رویکرد ارزشی کلان و به دلیل وام‌گیری آنها از همان نگاه سنت‌گرا، همان رویکرد کلان فنی و تکنیکال را پذیرفته‌اند. لذا در نگاه مطلوب به اثرگذاری مبانی دینی بر بعد طراحی برنامه‌درسی، علاوه بر اینکه می‌توان به مفهوم‌شناسی مبتنی بر مفروضات دینی از طراحی برنامه‌درسی

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-17]

دست‌یافت، می‌توان همهٔ موضوعات و مسائل این بعد معرفتی را بر اساس مبانی دینی به شیوه‌ای متفاوت نگریست.

۷. در بعد معرفتی تدوین و تولید برنامه‌درسی از منظر نظری در وضعیت موجود، صاحب‌نظران غالباً برنامه‌درسی را معادل برنامه‌ریزی درسی لحاظ کرده اند و به این بعد توجه بیشتری دارند. البته این توجه نیز به‌صورت کامل در دیدگاهی واحد دیده نمی‌شود. به‌عنوان‌مثال، موسی‌پور (۱۳۸۵) بر هدف، محتوا و ارزشیابی، استپ و همکاران (۲۰۱۲) بر محتوا و تدوین تأکید دارند. این نگاهی محدود و ناقص است و می‌توان نگاهی جامع در زمینه تأثیر مبانی دینی بر تدوین و تولید داشت. به‌عنوان‌مثال، هیچ‌یک از دیدگاهها درپی مفهوم‌پردازی عناصر برنامه‌درسی، مباحث نظری و خلق مفاهیم نظری مبتنی بر مبانی دینی نیستند؛ درحالی‌که رویکرد مطلوب در پی تأثیر موسع و ژرف مبانی دینی بر بعد معرفتی تدوین و تولید است. البته میزان این تأثیر بستگی به نگاه صاحب‌نظر دارد. مفروضات دینی می‌تواند به شکل گسترده و عمیق بر مباحثی مثل رویکردهای برنامه‌ریزی درسی، مدلهای برنامه‌ریزی درسی و... تأثیر داشته باشد و صورت‌بندی جدیدی از هر یک از این مباحث ارائه دهد. مثلاً، اگر ویژگیهای مبانی دینی در این بعد بسط پیدا کنند، مشارکت معنا و مفهوم دینی پیدا خواهد کرد و در پی آن، الگوهای مشارکت در برنامه‌ریزی درسی صورت و قالب متفاوت پیدا خواهند کرد.

۸. بعد معرفتی تغییر و اجرای برنامه‌درسی از منظر نظری یکی دیگر از ابعاد معرفتی دانش برنامه‌درسی است که در وضعیت موجود مغفول مانده است. درحالی‌که مفروضات دینی با اثرگذاری ژرف و مبسوط بر مباحث مختلف این بعد معرفتی می‌تواند مفهوم‌پردازی جدیدی از تغییر و اجرای برنامه‌درسی داشته باشد. به‌عنوان‌مثال، اگر تغییر و اجـرا را از نگاه دینی ببینیـم، بایـد بـدانیـم چه نسبتی میان بعد اجرا با مفروضات دینی وجود دارد و تغییر به چه منظوری و در چه سطوحی باید انجام شود؟ پاسخ به این پرسشها بستگی به تبیین ما از مبانی دینی و تأثیر این مباحث از مبانی دینی دارد و منجر به ایجاد مفهوم‌شناسی جدیدی از تغییر و اجرا خواهد شد.

۹. بعد معرفتی پژوهش برنامه‌درسی از منظر نظری به روش‌شناسی و منطق پژوهش در برنامه‌درسی می‌پردازد. به‌این‌منظور برای موضوعات و حل هر یک از آنها نظریه‌های متفاوت وجود دارد. در نگاه مطلوب، فارغ از تنوع موضوعات، مسائل و رویکردها، نگاه ما به بعد پژوهش برنامه‌درسی نگاهی دینی خواهد بود. در چنین حالتی ممکن است علاوه بر طرح موضوعات جدید، پرسشهایی گوناگون مطرح شود، ماننـد مبـانی دیـنی چه نـسبتی بـا پژوهش و روش‌شناسی پژوهش در برنامه‌درسی دارد؟ مبانی دینی چه تعریفی از پژوهش برنامه‌درسی ارائه می‌دهند؟ با توجه به‌اینکه برخی صاحب‌نظران این حوزه، پژوهش برنامه‌درسی را ماهیتاً نظری، برخی عملی و برخی دارای هر دو ماهیت نظری و عملی می‌دانند، در نگاه دینی چگونه می‌توان و ممکن است

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-17]

به این پژوهش نگریست؟ علاوه بر این، موضوعات جدید نیز می‌توانند تحت‌تأثیر مفروضات دینی قرار گیرند.

نقشهای جدید برای مبانی دینی برنامه‌درسی

در وضعیت مطلوب و با فهم برنامه‌درسی به‌مثابه دانش نشان دادیم که می‌توان نگاهی حداکثری به نقش مبانی دینی در قلمرو مطالعاتی برنامه‌درسی داشت. با توجه به این نگاه می‌توان نقشهایی جدید را برای برنامه‌درسی متصور شد. ازجمله آنها می‌توان به این نقشها اشاره کرد:

الف) تغییر دادن پیش‌فرضها: به مجموعه چیستی داده‌های علمی و غیرعلمی، اندیشه‌های دینی، حزبی و ... که به‌عنوان مقدمه شناخت و تفسیر به‌کاررفته و درنتیجه فهم تأثیرگذار باشند، پیش‌فرض گفته می‌شود (مصباح‌یزدی، ۱۳۹۲: ۲۵). پیش‌فرضهای الهیاتی و فلسفی می‌توانند به‌عنوان سخت‌هسته علم در نظر گرفته شوند (باقری، ۱۳۹۵: ۱۲۳). حال اگر برنامه‌درسی به‌مثابه دانش در نظر گرفته شود، نقش مبانی دینی به‌عنوان پیش‌فرضهایی برای دانش برنامه‌درسی مطرح خواهد بود و چون پیش‌فرضهای علم هم بر ساختار درونی و هم بر ساختار بیرونی علم تأثیرگذارند، پیش‌فرضهای متفاوت به تولید برنامه‌های درسی که هم ازنظر شکل و هم از حیث محتوا متفاوت‌اند، منجر می‌شوند. چون پیش‌فرضها با مسائل درون علم رابطه‌ای منطقی دارند، محتوای درونی یک علم با تغییر پیش‌فرضهای آن تغییر می‌کند و این تغییر تنها در سطح بیرونی و صورت‌بندی برنامه‌درسی باقی نخواهد ماند. پذیرش نقش پیش‌فرضها برای مبانی دینی در دانش برنامه‌درسی می‌تواند گامی اساسی در راه دستیابی به علم دینی باشد و خطوط کلی حرکت به‌سوی برنامه‌درسی دینی را ترسیم کند.

ب) مبانی دینی به‌عنوان قلمرو معرفتی: مبانی برنامه‌درسی نقشی مهم و اساسی به‌عهده دارند و اندیشمندان این رشته به طرق گوناگون به این مسأله اذعان کرده‌اند. مبانی نقطه آغاز تدوین برنامه‌درسی و نیز تابع متقابل با دیگر توابع در تدوین برنامه‌درسی است (تولاپن[1]، ۲۰۱۵: ۲۵). بعد مبانی به دنبال تدوین بنیانهای معرفتی دانش برنامه‌درسی است (امین‌خندقی، ۱۳۹۵: ۹)؛ بنابراین، اگر مبانی دینی به‌عنوان یکی از قلمروهای معرفتی برنامه‌درسی مطرح باشد، نقش اصلی و حیاتی را در نظام تربیت دینی جامعه به عهده خواهد داشت. نقش مبانی دینی به معنای مبنا و بنیادی برای دانش مطالعات برنامه‌درسی سبب می‌شود که دین و مبانی دینی در همهٔ ابعاد معرفتی، مانند پژوهش، نظریه برنامه‌درسی و ... و در همه سطوح از انتزاعی‌ترین تا عینی‌ترین آن و در مراتب مختلف حضوری اثرگذار داشته باشد.

1. Tholappan

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-17]

ج) مبانی دینی به‌مثابه بنیادی بـــرای نظریه و نظریه‌پردازی: در نگاهی جدید می‌توان مبانی را در حکم نظریه دانســـت و به مسائل و موضوعات اساسی چون چیستی مبانی بر اساس فهم دینـــی پرداخت. در وضعیت موجود، مبانی دینی بیانگـــر گزاره‌ها و اصولی‌اند که توانایی پیوند میان نظریه و عمل را ندارند و صرفاً تعدادی اصل و گزاره ارزشی برای عمل طراحی و تدوین برنامه‌درسی محســـوب می‌شـــوند. در نگاه جدید، مبانی دینی برنامه‌درسی شـــبکه معنایی حاصل از نظرورزیها، مفهوم‌سازیها و نظریه‌پردازیهاست.

نقشـــها و ویژگیهای مبانی دینی در وضع موجود را که ابتدای مقاله ذکر شدند، می‌توان درمقام نظریه‌پـــردازی و نظریه‌های احتمالی جدید در آینده موردتوجـــه قرار داد. در تلقی جدید، تمام این نقشـــها می‌توانند در حکم نظریه باشـــند؛ به بیانی دیگر، معنای همه این نقشها در پرتو فهم و تلقی جدیـــد از مبانی دینی به‌مثابه نظریه‌هـــای دینی و نیز صاحب‌نظر این قلمـــرو به‌عنوان نظریه‌پرداز برنامه‌درسی تغییر خواهد کرد. به‌عنوان‌مثال، با نگاهی جدید، نقش جهت‌دهنده و راهنما بودن مبانی دینی برنامه درســـی صرفاً تعدادی گزاره برای جهت‌دهی برنامه‌درســـی نخواهد بود، بلکه نظریه‌ای جهت‌دهنده خواهیم داشت که مســـائل جدید را در قلمرو برنامه درسی مطرح می‌کند. جهت‌دهی صرفاً به معنای ارزش‌شـــناختی آن نیست بلکه معنای نظری همه‌جانبه‌ای است که در قالب نظریه واحدی می‌توان مطرح کرد که درون خود برداشـــتی جدید از حوزه و نظریه برنامه‌درســـی به همراه دارد. تلقی جدید به هر یک از نقشهای مطرح‌شده در وضعیت موجود خاصیت نظریه‌ای می‌بخشد.

■ بحث و نتیجه‌گیری ■

این پژوهش در پی بررســـی و تبیین نقش مبانی دینی در همهٔ ابعاد معرفتی حوزه برنامه درســـی در وضعیت موجود بود. با بررســـی آرای صاحب‌نظران، نقش مبانی دینی در وضعیت موجود صورت‌بندی شده است. با بررســـی دیدگاه صاحب‌نظران در مورد نقش مبانی دینی برنامه‌درسی در وضعیت موجود دریافتیم که یکی از عوامل بســـیار اثرگذار بر جایگاه و نقش مبانی دینی در حوزه برنامه‌درســـی، انواع و ژرفای تأثیرگذاری مبانی دینی اســـت که متأثر از تعریف و درک هر صاحب‌نظر از مفهوم برنامه درســـی اســـت. تحلیل و بررسی وضعیت موجود نشـــان داد که فهم اغلب صاحب‌نظران از معنای برنامه درسی، به‌مثابه برنامه‌ریزی درســـی بوده (علم‌الهدی، ۱۳۸۴؛ اشرف، ۱۹۹۳؛ موسی‌پور، ۱۳۸۵) و تعداد معدودی برنامه‌درســـی را به معنای قلمرو مطالعاتی (پاینار و همکاران، ۱۹۹۶؛ اســـناد فرادستی، ۱۳۹۰) در نظر گرفته‌اند. این نگاه ناقص موجب شـــده است تا مبانی دینی به تعدادی گزاره یا اصول دینی برای تدوین اهداف، محتوا و ... خلاصه شـــود (اشـــرف، ۱۹۹۳؛ علم‌الهدی، ۱۳۸۴؛ ملکی، ۱۳۷۹). همین محدودیت نگاه درباره حوزه‌های معرفتی برنامه‌درسی، مانند طراحی، اجرا و غفلت از سایر ابعاد حوزه برنامه درسی،

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-17]

برداشـــت از مبانی را بیش‌ازپیش دچار محدودیت کرده است. این نتایج نشان داد که نقش مبانی دینی برنامه‌درسی زمانی وسعت و عمق می‌یابد که برنامه‌درسی به‌عنوان دانش و قلمرو مطالعاتی لحاظ شود. مبانی دینی برنامه‌درســـی در وضـــع مطلوب می‌تواند به‌عنوان پیش‌فرضی برای دانش برنامه‌درســـی یا بعد معرفتی در قلمرو مطالعاتی برنامه‌درسی یا نظریه در ذیل مبانی دینی ایفای نقش کند. مبانی دینی برنامه‌درســـی در هر یک از این نقشها جایگاهی بنیادین و اساسی در دانش برنامه‌درسی به‌عهده خواهد داشت و می‌تواند شاهراهی برای خلق و تولید علم دینی باشد؛ بنابراین، در برداشت و تلقی جدید، مبانی دینی را جدا از نگاهمان به برنامه‌درســـی و حوزه مطالعات برنامه‌درسی را جدا از مبانی دینی نمی‌بینیم و پیوســـتگی و درهم‌تنیدگی آنها را شـــاهدیم. به‌عبارتی‌دیگر، مبانی دینی را خـــارج از حوزه مطالعات برنامه‌درســـی نخواهیم دید، اگرچه شالوده و بنیانهای فکری مبانی دینی از خارج از حوزه دریافت شده باشـــد، این بنیانها و شالوده‌ها درون حوزه مطالعات برنامه‌درسی متناسب با جنس مباحث برنامه‌درسی، موضوعات و مسائل برنامه‌درسی است و متناسب با پیچیدگی و به اقتضای مباحث نظری و عملی برنامه بر آن تأثیر می‌گذارد. چنین رابطه و پیوندی میان مبانی دینی و برنامه‌درسی می‌تواند در حالت مطلوب وجود داشته باشد. البته در این مطالعه، وضعیت آینده مبانی دینی برنامه‌درسی را در یک افق کلی ترسیم کرده‌ایم و باید توجه داشت که برای تحقق بخشیدن به این مطلوب نیاز به پژوهش و مطالعات بسیار در ابعاد گوناگون است. به‌عنوان‌مثال، باید به این مسئله پرداخت که ساختار نظریه و نظریه‌پردازی از منظر دینی در دانشهای گوناگون به‌طور عام و دانش برنامه درسی به‌طور خاص چگونه است؟ نسبت میان مبانی دینی و قلمرو نظریه برنامه درســـی چه می‌شود؟ پاسخ به این قبیل پرسشهای مهم افق آتی پژوهشهای مرتبط در آینده است.

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-17]

منابع

REFERENCES

اعرافی، علیرضا. (۱۳۹۵). *فقه تربیتی: مبانی و پیش‌فرض‌ها. جلد ۱*. تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

اعضای کارگروه تلفیق نتایج مطالعات نظری با پشتیبانی دبیرخانه شـــورای عالی آموزش‌وپرورش. (۱۳۹۰). *مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران*. با همکاری شورای عالی انقلاب فرهنگی.

امین‌خندقی، مقصود. (۱۳۸۹). تحلیلی بر میزان اهمیت و به‌کارگیری دستاوردهای علمی حوزه برنامه‌درسی در نظام‌های آموزشی شرکت‌های صنعتی: فرصت‌ها و تهدیدها. *فصلنامه مطالعات برنامه درسی*، ۵ (۱۹)، ۱۶۹-۱۳۹.

ـــــــــــــــ . (۱۳۹۵). *درس‌نامه دوره دکتری نظریه برنامه‌درسی*. دانشگاه فردوسی مشهد.

امین‌خندقی، مقصود و قادری، سید علی. (۱۳۹۴). برنامه‌درسی پست‌مدرن در بوته نقد. *پژوهش‌نامه مبانی تعلیم و تربیت*، ۵ (۱)، ۵-۲۹.

امین‌خنـدقی، مـقصود و مهدوی‌خواه، علی. (۱۳۹۶). بسوی انبساط مفـهومی از بـرنامه درســی اسلامی. *فصلنامه مطالعات برنامه درسی ایران*، ۱۲ (۴۶)، ۱-۳۴.

باقری، خسرو. (۱۳۹۵). *درآمدی بر فلسفه تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران*. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

بشیری، ابوالقاسم. (۱۳۹۸). مبانی الهیاتی و نقش آن در روان‌شناسی اسلامی. *دوفصلنامه روان‌شناسی*، ۱۳ (۲۵)، ۱۱۳-۱۳۶.

بهشتی، سعید. (۱۳۸۹). *تأملات فلسفی در تعلیم و تربیت*. تهران: شرکت چاپ و نشر بین‌الملل.

بهشتی، محمد (۱۳۸۷). *مبانی تربیت از دیدگاه قرآن*. تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

بهشتی، محمد؛ فقیهی، علی‌نقی؛ ابوجعفری، مهدی و زیر نظر اعرافی، علیرضا. (۱۳۷۶). *درآمدی بر تعلیم و تربیت اسلامی ۲*. تهران: سمت.

دبیرخانه طرح تولید برنامه‌درسی ملی (۱۳۹۰). *برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران. برنامه جامع تحول بنیادین برنامه‌درسی و آموزش نقشه پنجم*. تهران: سازمان پژوهشی برنامه‌ریزی آموزشی.

رهبر، محمدتقی و رحیمیان، محمدحسن. (۱۳۷۸). *اخلاق و تربیت اسلامی*. تهران: سمت.

زحمتکش، مهدی و جعفری، علی. (۱۳۹۰). رابطه دین و سیاست در اسلام. *فصلنامه سیاست خارجی*، ۲۵ (۳)، ۷۵۷-۷۸۴.

شریفی، علیرضا. (۱۳۹۳). بررسی وضعیت برنامه‌ریزی درسی در سیستم آموزش‌وپرورش ابتدایی ایران. *فصلنامه تعلیم و تربیت*، ۳۰ (۳)، ۷۳-۹۲.

شورت، ادموند سی. (۱۹۹۱). *روش‌شناسی مطالعات برنامه‌درسی*، ترجمه محمود مهرمحمدی و همکاران (۱۳۸۸). تهران: سمت.

علم‌الهدی، جمیله. (۱۳۸۴). *مبانی تربیت اسلامی و برنامه‌ریزی درسی «بر اساس فلسفه صدرا»*. تهران: دانشگاه امام صادق(ع).

فتحعلی، محمود؛ مصباح، مجتبی؛ یوسفیان، حسن و زیر نظر محمدتقی مصباح‌یزدی. (۱۳۹۴). *فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی*. تهران: موسسه فرهنگی برهان انتشارات مدرسه.

فتحی‌واجارگاه، کوروش. (۱۳۸۶). *برنامه‌درسی به‌سوی هویت‌های جدید: شرحی بر نظریات معاصر برنامه درسی*. تهران: آییژ.

قادری، مصطفی. (۱۳۹۷). *عمل و نظریه در مطالعات برنامه‌درسی*. تهران: آوای نور.

لوویت، کارل. (۱۹۵۳). *معنا در تاریخ*، ترجمه سعید حاجی‌ناصری و زانیار ابراهیمی (۱۳۹۶). تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-17]

مردانی، ایوب. (۱۳۹۵). *تحلیل مبانی فلسفی، دینی و فرهنگی حفاظت از محیط‌زیست*. رساله دکتری، دانشگاه شهید چمران اهواز.

مرزوقی، رحمت‌اله. (۱۳۹۶). *مبانی و اصول تعلیم و تربیت: با نگاهی به تحولات دوران معاصر*. تهران: آوای نور.

مصباح یزدی، محمدتقی. (۱۳۹۲). *رابطهٔ علم و دین*. قم: مؤسسهٔ آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

ملکی، حسن. (۱۳۷۹). *مبانی برنامه‌ریزی درسی آموزش متوسطه*. تهران: سمت.

ـــــــــــــــ . (۱۳۸۵). *مبانی و اصول تربیت*. زنجان: نیکان کتاب.

ـــــــــــــــ . (۱۳۸۹). نقد و ارزیابی مبانی برنامه‌درسی ملی جمهوری اسلامی ایران بر اساس شاخصهای فطرت. *فصلنامه مطالعات برنامه‌درسی ایران*، ۵ (۱۸)، ۳۲-۶۱.

ـــــــــــــــ . (۱۳۹۵). *برنامه‌ریزی درسی (راهنمای عمل)*. تهران: موسسه فرهنگی مدرسه برهان.

موحدی محصل طوسی، مرضیه. (۱۳۹۳). *تبیین رویکرد اسلامی به ارزشیابی از تربیت دینی و استنباط دلالت‌های آن برای ارزشیابی در نظام تربیت رسمی*. رساله دکتری. دانشگاه تربیت مدرس.

مهرمحمدی، محمود؛ امیرتیموری، محمدحسن؛ فتحی‌واجارگاه، کوروش؛ خوی‌نژاد، غلامرضا و شمشیری، مرجان. (۱۳۹۷). *برنامه‌درسی: نظرگاهها، رویکردها و چشم‌اندازها*. به نشر و سمت.

مهرمحمدی، محمود؛ ملکی، حسن؛ میرزابیگی، محمدعلی؛ علی‌عسگری، مجید و موسی‌پور، نعمت‌الله. (۱۳۸۶). دومین میزگرد نقد کتاب برنامه‌ریزی آموزش متوسطه. *فصل‌نامه مطالعات برنامه‌درسی*، ۱ (۵)، ۱۱۳-۱۲۶.

معین، محمد. (۱۳۸۶). *فرهنگ معین*. تهران: نشر زرین.

موسی‌پور، نعمت‌الله. (۱۳۸۵). *مبانی برنامه‌ریزی آموزش متوسطه*. به نشر و دانشگاه شهید باهنر کرمان.

Al-Hudawi, S. H. (2011). *A proposed framework for the curriculum of Islamic education: Implications on the curricula of Islamic religious higher education institutions in Kerala, India.* (Doctoral dissertation). Institute of Education, International Islamic University, Malaysia.

_____ . (2012). Educating Muslims: An alternative exposition on the foundations of curriculum. Presented in *National Seminar of Malaysian Education Dean's Council (MEDC) [Seminar Kebangsaan Majlis Dekan Pendidikan IPTA 2012–MEDC],* 7-9 October 2012, Johor Bahru, Malaysia.

Al-Tumi Al-Shaybain, A. M. (1988). *Islamic education philosophy.* Lybia: Darolketab.

Ashraf, S. A. (1993). The role of religious education in curriculum designing. *Westminster Studies in Education, 16*(1), 15-18.

Behar, L. S. (1992). *A study of domains and subsystems in the most influential textbooks in the field of curriculum 1970-1990.* (Doctoral Dissertation). Loyala University Chicago.

Catholic Schools Office. (2004). *K-12 Religious education curriculum, foundations and syllabus.* Waitara: Catholic Schools Office, Diocese of Broken Bay.

Estep, J., White, M. R., & Estep, K. L. (2012). *Mapping out curriculum in your church: Cartography for Christian pilgrims.* B&H Publishing Group, Nashville, Tennessee.

Etherington, M. B. (2014). *Foundation of Education: A Christian Vision*. Wipf and Stock Publishers.

Johnson-Miller, B., & Pazmiño, R. W. (2020). Christian education foundations: Retrospects and prospects. *Christian Education Journal, 17*(3), 560-576.

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-17]

Miller, R. C. (1977). Theology and the future of religious education. *Religious Education, 72*(1), 46-60.

Ornstein, A. C., & Hunkins, F. P. (2016). *Curriculum: Foundations, principles, and issues*. Pearson Education.

Ornstein, A. C., & Levine, D. U. (2008). *Foundations of education*. Houghton Mifflin Company.

Pinar, W. F., Reynolds, W. M., Slattery, P., & Taubman, P. M. (1996). *Understanding curriculum: An introduction to the study of historical and contemporary curriculum discourses (Vol. 17.)*. New York: Peter Lang.

Sawyer, D. B. (2004). *Fundamental aspects of interpreter education*. Amsterdam/Philadelphia: John Benjamins.

Scott, K. (1984). Three traditions of religious education. *Religious Education, 79*(3), 323-339.

Tholappan, A. (2015). *Knowledge and curriculum*. Bharathidasan University.

Yaacob, S. B., & Embong, Madame Rahimah (2008). *The concept of an integrated Islamic curriculum and its implications for contemporary Islamic schools.* Presented in International Conference in Islamic Republic of Iran on 20-22 Feb 2008.

Zais, R. S. (1976). *Curriculum: Principles and foundations.* Ty Crowell Co.

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-17]